

بررسی تأثیر نسبت سرمایه در بانک بر افزایش ریسک بحران مالی در صنعت بانکداری کشور

محمد صادق زارع^۱، نظامعلی وفایی^۲، علیرضا محمدعلیزاده^۳

۱- کارشناس ارشد حسابداری، بانکدار ارشد بانک کشاورزی همدان

۲- کارشناس ارشد توسعه روستایی، کارشناس اعتباری بانک کشاورزی همدان

۳- کارشناس حسابداری و بانکدار بانک کشاورزی همدان

Vafadari4030@gmail.com²

چکیده

هدف این پژوهش بررسی تأثیر نسبت سرمایه بانک بر افزایش ریسک بحران مالی در صنعت بانکداری می باشد. جامعه و نمونه آماری این پژوهش مشتمل بر ۱۰ بانک پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی شش ساله از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ است. این پژوهش، یک مطالعه کتابخانه ای و مبتنی بر تحلیل داده های تابلویی (پانل دیتا) می باشد. وازنظرهدف پژوهش حاضر از نوع کاربردی وازجنبه روش استنتاج توصیفی _تحلیلی وازنوع همبستگی می باشد. وبه منظور آزمون فرضیه پژوهش از روش رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. نتایج حاصل از فرضیه نیز با استفاده از آمار استنباطی تحلیل شده است. نتایج آزمون فرضیه پژوهش نشان می دهد که نسبت سرمایه تأثیر منفی و معناداری بر ریسک بحران مالی صنعت بانکداری دارد. **واژه های کلیدی:** بودجه مالی، ریسک بحران مالی، نسبت سرمایه، نسبت نقدینگی.

مقدمه

این پژوهش به بررسی تأثیر نسبت سرمایه، برریسک بحران مالی صنعت بانکداری پرداخته و ارتباط تعدادی از نسبتهای مورد نظر خود را در خصوص افزایش و کاهش این ریسک بحران مالی مطرح می کند. نقدینگی جهت اجرای فعالیتهای واحد تجاری ضروری است، به خصوص در زمانی که شرکت با مشکلات خاصی نظیر رکود اقتصادی و یا زیانهای ناشی از آن و یا افزایش ناگهانی درقیمت مواد اولیه ویاقطعات مورداستفاده شرکت روبرو گردد. درچنین شرایطی چنانچه شرکت فاقدنقدینگی کافی باشد مشکلات مالی جدی برای آن بوجودخواهدآمد. بانک ها در راستای دستیابی به اهداف بلندمدت خود اقدام به ایجاد یک نوع تعادل در نسبت های نقدینگی می نمایند. نسبت های نقدینگی بر روی نوسانات قیمت سهام و همچنین بر روی نوسانات نسبت سرمایه تأثیر مستقیمی می گذارند.

بیان مساله

بانک ها برای کسب سودآوری بیشتر اقدام به سرمایه گذاری در بخش های مختلف اقتصاد می نمایند. یکی از بخش هایی که بانک ها تمایل زیادی به سرمایه گذاری در آن دارند، بخش صنعت می باشد. امروزه بانکداری خود بعنوان یک صنعت درآمدی و افزایش یا کاهش ریسک بحران مالی صنعت بانکداری بطور مستقیم تأثیر بسزائی بر ایجاد یا عدم ایجاد بحران مالی تأثیرگذار می باشد (باسل و همکاران^۱، ۲۰۱۴).

درسیستم بانکی، کارایی و رقابت در مقابل ثبات قرارمی گیرد. ساختار ترازنامه بانکها کاملاً استثنایی است چرا که بدهی های بانک ها (سپرده ها)، از نوع پول قطعی و دارایی آنها (تسهیلات)، از نوع پول نامطمئن هستند. بنابراین بانکها باید سرمایه کافی برای پوشش دادن ریسک ناشی از فعالیت های خودراداشته و مراقب باشند که آسیبهای وارده به سپرده گذاران منتقل نشود.

¹ -Basel et al.